



خیلواکی

استقلال

www.esteqlaal.net

شنبه ۱۰ جولای ۲۰۲۱

ملالی موسی نظام

همه آفاق پر از فتنه و شر میبینم واقعاً که از مطالعه محتویات فضای مجازی آدم شاخ میکشد

در شرایطی که اوضاع ناهنجار وطن از خروج قوای امریکا و ناتو بعد از اشغال ۲۰ ساله و دست از پا درازتر، سرافکنده و منفعل به مقابل مشتی تروریست وابسته به غیر، روز بروز وخیم ترگشته و ملت ناامید و بی سرنوشت یکبار دیگر با ترس از آینده و دگرگونی اوضاع، هراسان و بیچاره میگردد، در بیرون کشور وبسایت های افغانی قسماً با منم گویی مثلاً جدال بر نحوه تحریر کلمات و بعضاً با تبلیغاتی واهی چون مشتی بعد از جنگ و تمجید از عصر خونین خلق و پرچم و خاینین آن، صفحات کمپیوتر را سیاه مینمایند. نظر مختصری بر سطورى چند ازین نوع نشرات می اندازیم:

اول - در بعضی ازین وبسایت ها که در حقیقت بر روی مسابقه و تفوق کمیت بر کیفیت استوار می باشند، آنچه به نام دریچه نظریات خوانندگان تعیین گشته، کاملاً از هدفی که تشکیلات مربوطه ادعا دارند دور قرار دارد، مثلاً نظر به اعلامیه بالای چوکات مذکور که اصل کرامت انسانی، احترام به شرائط اخلاقی و ادب قلم باید در همه نظریات مضمهر بوده و جدی گرفته شود، طوریکه در غیر آن نظر نویسنده نباید نشر گردد؛ اما به صورت روز افزون مشاهده میشود که در چنان دریچه ها آنقدر هتک حرمت و پامالی کرامت انسانی استعمال وسیع دارد که خواننده از خجالت آب گشته و از مطالعه چنان جفنگیات، استعمال الفاظ رکیک، اتهام و قلم فرسایی دور از ادب، خود را نمی بخشد.

دوم - این دریچه ها که در حقیقت برای تبصره خوانندگان و نویسندگان بر مضامین منتشره همان نشریه بوجود آمده است، در عمل اکثر محتویات آن بی ربط و تبصره های عریض و طویل و خسته کننده آن بیشتر بر نظریاتیست که در خود دریچه نشر شده است و یا بر منابع و مطبوعات غیر وابسته، استوار است که اکثراً بصورت وسیع به دشنام و بد و رد و یا شاخ شکنی ها و مباحث خسته کننده میپیوندد. یا الله!!

سوم - از جانب دیگر وبسایت هایی که در آغاز فعالیت شان به منظور مبارزات ملی، افشای جنایات و کجروی های رویداد های بیشتر از چهار دهه اخیر و مذمت گروه های وطن فروش و وابسته به غیر، پالیسی نشراتی ترتیب داده بودند، به مرور زمان با رخنه کمونیست های وطنی شاخته شده و دنباله روان بی ارزش و تبلیغات چی آنان، تعهد شان به هموطنان را، به تاق نسیان سپردند و اینجاست که کمیت بر کیفیت مطالب بدون شک غالب میگردد.

مدتیست که در چند تا ازین وبسایت های مسخ شده و کمیت پسند، قسمت هایی از خامه یکی از دنباله روان «**ح د خ ا**» که در مورد زنان کشور منتشر میگردد و خوشبختانه با وجودی که از طبقه نسون و مبارز حقوق زن هستم، استثنائاً حتی بعد از نشر قسمت چهل و یکم، سطری از نویسنده ایکه با تکیه بر شوروی غدار ملت و مملکت را به فنا و بربادی سوق داد، نخوانده ام. از قضاء چند روز قبل نوشته ای در وبسایت ملی «**استقلال خپلواکی**» به شکل سوالی مطرح گردید که نظر اینجانب را به قسمتی از آن نوشته جلب نمود.

محترم آقای «**حمید انوری**» سطوری از قسمت چهل نوشته نویسنده را طور سوال مطرح نموده است که در آن تعدادی از دانشمندترین، خدمتگاران زن در معارف و اجتماعات گوناگون عصر فرخنده شاهی مشروطه در جوار خاین ترین وطنفروشان زن عصر خون و آتش اشغال افغانستان عزیز که با سابقه طولانی و با همکاری با اتحاد شوروی اشغالگر، بیشرمانه در پهلوی ملیون ها کشته و زخمی، خاک وطن را به فروش گذاشته و مردم آنرا تا ایندم آواره و دربر ساختند، قرار داده شده است.

جا دادن خانم های ارجمند، قابل افتخار و خدمتگزاران معارف، مطبوعات، هنر و ادبیات و رهنمایان ده ها راه ترقی زن افغان مانند ملکه ثریا طرزی، ملکه حمیرا، کبرا نورزایی، رقیه ابوبکر، شفیقه ضیایی، حمیرا سلجوقی، صالحه فاروق اعتمادی، معصومه عصمتی و امثال آنان در پهلوی مثنی خاین افغانستان فروش و بدنامی چون اناهیتا راتب زاد، جمیله پلوشه، ثریا پرلیکا، سهیلا صدیق و امثال آنان، خطاییست غیر قابل عفو!

جواب محترم «**حمید انوری**» در زمینه دروغ و راست، همانا ناهنجاری و خبط بزرگ ردیف نمودن لست سیاه زنان افغان وجدان فروخته و از افغانیت برگشته وابسته به شوروی سفاک، در جوار شخصیت های نسون نامدار و قابل افتخار و وطن پرست افغان می باشد. چنین خاک بر چشم مردم زدن در حقیقت غیر قابل بخشش است که هست!

جای تعجب و افسوس است که وبسایت های کمیت پسند، چگونه خاینین ملی ای را در جوار خانم های فاضل، وطنپرست، خدمتگار ملت و رهنمایان معارف و مردم وطن قرار میدهند؟!

چهارم - گرچه در ظاهر اکثر این وبسایت ها از تجاوز فرهنگی ایران و تغییر و استحالهٔ بیمورد لغات و اصطلاحات اصیل دری افغانستان با جانشینی اکثراً نو برآمد های دولت آخوندی، شاکي و بیزار جلوه می نمایند، تا حدی که دست به ایجاد لغت نامه برای حفظ «؟!» اصالت لسان دری میزنند، ولی مشاهده میشود که چندان درین زمینه دقت و تعهدی را بجا نمی آورند. مثلاً نوعی ویروس یا مکروبی که مرض کشنده ای را در انسان ایجاد می نماید و بخاطر شکل ویروس که شباهت به سمارق دارد، بنام «معلومات طبی راجع به قارچ سیاه و یا سمارق سیاه» مسمی گردیده است. دیده میشود که در لغت نامه از اصطلاح «قارچ» که دقیقاً در عرصهٔ تاریخ برای افغان های ما و محیط شان نا مفهوم بوده و مطلق مورد استعمال ایرانیان است، بی جهت و دور از افهام و تفهیم مردم کشور ما کار گرفته میشود. حتی در لغت نامه برای معرفی بعضی شخصیت ها، سوابق تحصیلی آنان را به عوض اسم وزین، رسمی و عام فهم «پوهنتون»، بدون دلیل «دانشگاه» و حتی شق تحصیلی شان را به عوض «پوهنځی»، بیباکانه «دانشکده» تحریر نموده اند. چرا؟ چون تجاوز فرهنگی ایران چون مکروب «کرونا» ساری بوده، حدود و ثغوری نمی شناسد!

از استعمال وسیع اختراعات لغوی و اصطلاحی ایران که بگذریم، ماشاالله قلم بدستان ماهم نوآوری های نامأنوسی عرضه میدارند که ملت بیچاره از درک آن عاجز می باشد، مثلاً چندین هفته است که به این عنوان در وبسایتی بر میخوریم: «کلانهای افغانستان کیانند؟». درین زمینه چون الف سرگردان به سراغ فرهنگ ها و لغت نامه های گوناگون رفتیم و همانطور که حدث میزدیم، به هر طرف به سلسله شاهان اسطوره یی ایرانی برخوردیم چون کی قباد، کی خسرو و در صیغهٔ جمع، البته که ایرانی ها اسم پسر را هم «کیان» میگذارند که وابسته به همان شاهنشاه و افتخارات تاریخی شان میگردد. مردم میپرسند که همان رواج و استعمال سادهٔ خود ما، یعنی «کی ها هستند - کی ها اند» مگر چه عیب داشت؟! جوابی البته نداریم!!

ناگفته نماند که در یکی از مقالات که همان عنوان مذکور موجبات مطالعهٔ صرف یک صفحه را سبب گردید، پناه بر خدا که همین «داکتر نجیب الله» از وابستگان مشهور عقیدوی به شوروی سفاک، پرچمی و کمونیست قهار، قهرمان آدم کشان حرفوی در تشکیل مخوف «خاد»، منحیث یک خدا شناس و موسیچهٔ بیگناه قلمداد میگردد. یا الله مردم فریبی هم حدی دارد.

در حقیقت این سابقه داران که در وبسایت های گوناگون جا خوش نموده اند، از حال هزاران خیمه نشین دشت های پشاور و بکوا و هلمند چیزی بیاد ندارند، در حالیکه خود و پیشوایان شان بیشتر از چهار دهه است که چنان مصائبی را در حق ملت مظلوم افغان بار آورده اند!